مسئولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

احمد رشاد میرزاده ۲۰۲۱/۰۲/۱۱

درآمدی بر ماده شصت‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان

این روزها، بیش‌تر از هر دوره دیگر، شهروندان کشور شاهد تقابل لفظی و عملی مجلس نمایندگان با ارگ ریاست جمهوری هستند. صداهای مبنی بر متوسل شدن به ماده شصت‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان نیز بر سر زبان‌های بعضی از نمایندگان در داخل مجلس و فعالان و سیاست‌گران کشور طنین‌انداز است. برای این‌که این مهم واضح‌تر بیان شود، با نگاه مثبت‌اندیشانه، برای وضاحت بیش‌تر، درآمدی را بر این ماده مهم قانون اساسی نوشته‌ام، تا از یک طرف برای تازه واردهای نقدمآب این روز های سیاست کشور هنجار واضح به دست خواندن داده باشم و از سوی دیگر معاونت خیراندیشانه به جامعه تحصیلی کشور، به خصوص برای محصلین و جوانان مشغول تحصیل در رشته حقوق و علوم سیاسی داشته باشم. این مقاله برای وضاحت در مورد ماده مذکور (ماده ۶۹) قانون اساسی است و قصد منفی یا ضد کدام جناحی را در خود ندارد. هدف آن، خلق آگاهی بیش‌تر برای جوانان، محصل و مردم است.

ماده شصت‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان چنین است:

«رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی‌جرگه مطابق به احکام این ماده مسوول می‌باشد.

اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی‌جرگه تقاضا شده می‌تواند.

در صورتی که این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی‌جرگه تأیید گردد، ولسی‌جرگه در خلال مدت یک‌ماه لویه‌جرگه را دایر می‌نماید.

هرگاه لویه‌جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد. محکمه خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از اعضای ولسی‌جرگه و سه نفر از اعضای ستره محکمه به تعیین لویه‌جرگه، اقامه دعوا توسط شخصی که از طرف لویه‌جرگه تعیین می‌گردد، صورت می‌گیرد.

در این حالت احکام مندرج ماده شصت‌وهفتم این قانون اساسی تطبیق می‌گردد.»

شرح این ماده

مطابق ماده شصت‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، رئیس جمهور به دلیل ارتکاب سه جرم در برابر ملت و ولسی‌جرگه مسوولیت جزایی دارد:

جرایم ضد بشری: جرایم ضد بشری اولین موردی است که رئیس جمهور با ارتکاب و اتهام آن، در برابر ملت و مجلس نمایندگان مسوول است. کد جزای جدید جمهوری اسلامی افغانستان در باب دوم جرایم علیه بشریت در فصل دوم در ماده ۳۳۵ خود جرایم ضد بشری را چنین تعریف می‌کند:

«ارتکاب یکی از اعمال ذیل مشروط بر این که رفتار مرتکب عمداً و آگاهانه بخشی از حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک گروه غیرنظامی باشد، جرم ضد بشری شناخته می‌شود. الف: قتل، ب: نابود سازی، ج: به برده‌گی گرفتن، د: اخراج یا کوچ اجباری یک جمعیت، ه: حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی مخالف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل، و: شکنجه، ز: تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فحشای اجباری، حامله‌گی اجباری، عقیم‌سازی اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی در همان سطح، ح: تعقیب و آزار هرگروه یا مجموعه مشخصی به دلایل سیاسی، نژادی، مذهبی، ملی، قومی، فرهنگی، جنسیت یا به دلایل دیگری در ارتباط با هر یک از اعمال مندرج این ماده، یا هر جرم دیگری مشمول صلاحیت دیوان جزایی بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک روم که در سراسر جهان به موجب حقوق بین‌الملل غیرمجاز شناخته شده است، ط: ناپدید کردن اجباری اشخاص، ی: جنایت تبعیض نژادی و ک: سایر اعمال غیرانسانی دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روانی یا جسمی صورت پذیرد.»

خیانت ملی: دومین موضوعی که به اتهام آن رئیس جمهور در برابر ملت و مجلس نمایندگان مسوول است و باعث منفصل و سپس در صورت ثابت شدن جرم عزل او از وظیفه می‌شود، خیانت ملی است. کد جزای جدید جمهوری

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

اسلامی افغانستان در کتاب دوم جرایم و جزاها، باب اول جرایم علیه دولت، امنیت و مصونیت عامه، فصل اول جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، خیانت ملی را در ماده ۲۳۸ چنین تعریف کرده است: «هرگاه تبعه جمهوری اسلامی افغانستان مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، عمل وی خیانت ملی شمرده می‌شود:
عملی که در نتیجه آن اراضی دولت جمهوری اسلامی افغانستان تماماً یا قسماً تحت حاکمیت دولت خارجی یا نیروهای مسلح مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار گیرد، یا استقلال کشور را به مخاطره اندازد.
عملی که در نتیجه آن تمام یا قسمتی از اراضی تحت حاکمیت دولت جمهوری اسلامی افغانستان از اداره آن خارج شود.
تسلیمی نیروهای تحت امر به دشمن.
واگذاری تأسیسات، دیپوی اسلحه و مهمات، وسایل نظامی، ذخایر مواد ارتزاقی یا استحکامات متعلق به نیروهای نظامی به دشمن به منظور مساعدت آن‌ها، یا فراهم‌سازی تسهیلات برای ورود دشمن به کشور.
جمع‌آوری معلومات حاوی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور، به منظور تسلیم‌دهی آن به دولت خارجی، سازمان یا گروه ضد دولتی یا گماشته‌گان آن‌ها.
استخدام اشخاص، تهیه اموال و یا تجهیزات نظامی برای دولت خارجی در حال جنگ با دولت جمهوری اسلامی افغانستان و نیروهای مسلح در حال جنگ یا منازعه مسلحانه با دولت جمهوری اسلامی افغانستان.
قیام مسلحانه نیروهای نظامی علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان.
سرقت، تلف یا تزویر اسناد حاوی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور.
پیوستن به قوای مسلح دولت خارجی یا گروه مسلح درحال جنگ یا منازعه مسلحانه با جمهوری اسلامی افغانستان.
قیام مسلحانه یا توطئه علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان به منظور گرفتن قدرت دولتی.
افشای اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور به اشخاص یا دولت خارجی یا شخصی که به نفع آن‌ها کار می‌کند و یا به گروه‌های مسلح مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان.
عدم اطلاع از معلوماتی که هدف آن ارتکاب جرایم مندرج اجزای ۱ تا ۸ این ماده بوده، شخص به حکم قانون به کشف آن موظف و یا به نحو دیگری به افشای آن مکلف باشد، به مراجع مسوول.»
جنایت: سومین موضوعی که اتهام آن، رئیس جمهور را در برابر مجلس نماینده‌گان و سپس در برابر لویه‌جرگه مسوول می‌سازد، جنایت است. کد جزای جدید جمهوری اسلامی افغانستان در باب دوم جرایم فصل اول مفهوم و انواع جرایم از نظر خفت و شدت مجازات در ماده ۳۱ خود جنایت را چنین تعریف کرده است: «جنایت، جرمی است که جزای آن در این قانون حبس طویل، حبس دوام درجه ۲، حبس دوام درجه ۱ و یا اعدام تعیین شده باشد.»
اینجا، سوال مطرح بحث این است که قانون‌گذارِ قانون اساسی در مورد قباحت و جنجه، موردی را اشاره نکرده است که هرگاه رئیس جمهور مرتکب آن شود، چه برخورد قانونی با وی باید صورت گیرد؟ این مورد، بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد که از حوصله این مقاله خارج است.
در مطابقت به ماده شصت‌ونهم قانون اساسی، اتهام علیه رئیس جمهور به دلیل ارتکاب جرم خیانت ملی، جرایم ضد بشری و جنایت باید از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی‌جرگه تقاضا شود و این تقاضا توسط دو ثلث کلی آرای ولسی‌جرگه تأئید گردد، تا رئیس جمهور قابل تعقیب باشد. در ماده شصت‌ونهم، در قسمت این‌که گفته شده است که رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی‌جرگه مسوول است، در رابطه به کلمه ملت، این سوال مطرح است: ملت کیست؟
در ارتباط به این سوال باید گفت که در مطابقت به ماده چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند. ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجیک، هزاره، اوزبیک، ترکمن، بلوچ، پشه‌ای، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام است. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان، کلمه افغان اطلاق می‌شود. بنابراین، از آنجایی که در قانون به دلیل این‌که ملت به طور مستقیم دخالتی در منفصل کردن رئیس جمهور ندارد، لذا به شکل غیرمستقیم بحث مجلس نماینده‌گان و لویه‌جرگه مطرح است که در مطابقت به ماده شصت‌ونهم، صلاحیت اتهام به نهاد ولسی‌جرگه برمی‌گردد.
نکته دیگری که اینجا قابل یادآوری است، این است که در مطابقت به ماده شصت‌ونهم از نص ماده، دو برداشت را می‌توان بیان کرد: این‌که عده‌ای به این عقیده‌اند که این ماده دلالت به مسوولیت سیاسی رئیس جمهور در برابر پارلمان دارد؛ ولی عده دیگر معتقدند که این ماده فقط بیان‌گر مسوولیت جزایی رئیس جمهور است که این خود نشان‌دهنده تعارض در تفسیر نص ماده شصت‌ونهم قانون اساسی است. نکته قابل توجه دیگر این است که برای منفصل کردن رئیس جمهور از وظیفه، در مطابقت به قانون اساسی، ماده شصت‌ونهم این موضوع را با تصویب اتهام وارده توسط دو ثلث کل لویه‌جرگه به محکمه خاص راجع می‌کند که در نفس خود برای محاکمه رئیس جمهور تشکیل لویه‌جرگه کار آسانی نیست و در عین حال بعد از تصویب اتهام صلاحیت به محکمه خاص راجع می‌شود که از نص ماده چنین معلوم می‌گردد که محاکم عادی صلاحیت محکمه رئیس جمهور را ندارند. ترکیب محکمه خاص هم در مطابقت به ماده شصت‌ونهم باید توسط لویه‌جرگه صورت گیرد و اینجا است که پای قوه قضائیه به موضوع مسوولیت رئیس جمهور کشانده شده است، چرا که سه نفر از اعضای محکمه خاص باید اعضای ستره‌محکمه باشند. بنابراین، صلاحیت رسیده‌گی را محکمه خاص دارد. نکته قابل بحث دیگر این است، شخصی که برای اقامه دعوا علیه رئیس

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

جمهور توسط لویه‌جرگه تعیین می‌شود، کیست؟ اینجا قانون اساسی سکوت کرده است، شاید به ذهن شما بیاید که آن شخص لوی څارنوال باشد؛ ولی در مطابقت به فقره ۱۱ ماده ۶۴ قانون اساسی، تعیین لوی څارنوال به تأیید ولسی‌جرگه توسط رئیس جمهور، کار دعوا علیه رئیس جمهور توسط لوی څارنوال را سوال برانگیر می‌سازد. احتمالاً آن شخص، لوی څارنوال نخواهد بود؛ ولی قطعاً هرکسی که باشد، نقش دادستان را ایفا خواهد کرد. از آنجایی که نتیجه محکمه رئیس جمهور از دو حالت بیرون نیست، یا مجرم شناخته می‌شود و از وظیفه عزل می‌گردد که بعد از عزلش در مطابقت به ماده شصت‌وهفت قانون اساسی معاون وی تا مدت معین وظیفه را پیش می‌برد و انتخابات جدید را برگزار می‌کند. ولی آمدن کلمه منفصل در ماده شصت‌ونهم موضوع دیگری است که نشان می‌دهد در صورت تصویب شدن اتهام توسط لویه‌جرگه، رئیس جمهور عزل نمی‌شود، بلکه منفصل می‌شود و انفصال هم دو نوع است؛ دایمی و موقت که قانون اساسی آن را مشخص نساخته است. هرگاه انفصال را دایمی بدانیم که معادل عزل است، حتا اگر رئیس جمهور بی‌گناه هم ثابت شود، دوباره به سمت خود برگشته نمی‌تواند؛ اما در انتخابات آینده به دلیل رفع اتهام و عدم محکومت به جرایم، اشتراک کرده می‌تواند. در صورتی که انفصال را موقت بدانیم، با ثابت شدن بی‌گناهی، رئیس جمهور به سمت خود برمی‌گردد؛ چون نظر به یک اتهام نمی‌توان رئیس جمهور را از حقوقی که داشته است، محروم کرد.

بنابراین با آنچه گفته شد، این نتیجه حاصل می‌شود:

در نظام سیاسی افغانستان، رئیس جمهور مسوولیت جزایی دارد. به موجب سه جرم (جرایم ضدبشری، خیانت ملی و جنایت) مسوولیت جزایی وی تحقق پیدا می‌کند؛ ولی در همین نظام رئیس جمهور مسوولیت سیاسی ندارد. نهادی که صلاحیت ایراد اتهام به رئیس جمهور را دارد، ولسی‌جرگه است. البته از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی‌جرگه می‌تواند تقاضا شود و به تأیید دو ثلث کل اعضا برسد. در خلای مدت یک‌ماه، ولسی‌جرگه می‌تواند لویه‌جرگه را تشکیل دهد. صلاحیت انفصال رئیس جمهور را لویه‌جرگه با تأییدی دو ثلث اعضا دارد که به ایجاد محکمه خاص ۷ نفری به طوری که رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از ولسی‌جرگه و سه نفر هم از اعضای ستره‌محکمه به تأییدی لویه‌جرگه اعضای آن خواهد بود و یک نفر هم برای اقامه دعوا علیه رئیس جمهور به تأیید لویه‌جرگه تعیین خواهد شد. در صورت ثابت شدن جرم، رئیس جمهور عزل می‌شود؛ ولی در صورت بی‌گناهی به سبب انفصال به دلیل اتهام به سمت خود بر خواهد گشت. ولی از آنجایی که در مورد سایر جرایم به جز از سه جرم بالا در مورد رئیس جمهور، قانون اساسی سکوت اختیار کرده است، لذا در حین تصدی وظیفه، محکمه رئیس جمهور ممکن نخواهد بود. ولی به دلیل اصل برابری اتباع در برابر قانون و اصل عدم مصونیت، محاکم عادی جزایی بعد از ختم دوره ریاست جمهوری، وی را که دیگر رئیس جمهور نیست، در صورت ارتکاب سایر جرایم در دوره ریاست جمهوری و یا قبل از آن می‌توانند، محاکمه کنند. پس مطرح کردن ماده شصت‌ونهم قانون اساسی در گیرودار این روزها میان مجلس نماینده‌گان و ارگ ریاست جمهوری با توجه به ابهامات و سکوت قانون اساسی و از آنجایی که ماده مذکور از تفسیرهای گوناگون برخوردار است، این ماده در حل بن‌بست کنونی میان این دو پایه نظام سیاسی افغانستان، کارساز نخواهد بود.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ